

جنجال زوج جوان بر سر قبض برق، آنها را راهی دادگاه خانواده کرد

جدایی به سرعت برق



مرد جوان وقتی دید همسرش قبض برق را پرداخت نکرده و پول آن را خرج کرده با او درگیر شد. درگیری این زوج آنقدر کش پیدا کرد که در نهایت آنها تصمیم به جدایی گرفتند. این زوج هفته گذشته درخواست طلاق خود را به دادگاه خانواده تهران ارائه کردند.

مرد جوان که به شدت عصبانی بود، درباره ماجرای زندگی اش به قاضی گفت: آقای قاضی همسر من مرتب پنهان کاری می‌کند و مشکلات زندگی برایش مهم نیست. بارها سر مسائل مختلف متوجه پنهان کاری او شدم. اوایل اهمیتی نمی‌دادم ولی وقتی آخرین بار سر قبض برق به من دروغ گفت و پول برق را خرج کرد از کوره در رفتم. ماجرا از این قرار بود که من پول قبض برق را به حساب همسر ریختم تا واریز کند چون از قبل باید مبلغی پول به او می‌دادم، پول قبض ها را هم به حسابش ریختم تا آنها را واریز کند. خودم وقت نداشتم. مبلغ قبض بر همان زیاد بود. تصور می‌کردم که او قبض را پرداخت کرده اما وقتی برق خانه مان قطع شد فهمیدم قبض پرداخت نشده است. از ساناز پرسیدم و در کمال ناباوری عنوان کرد که قبض برق را پرداخت نکرده و پولش را هم خرج کرده است. خیلی شوکه شدم. بحث پول نبود، بحث این بود که دوباره پنهان کاری و بدون اینکه به من بگوید، سرخود این پول را خرج کرده بود. در صورتی که لزومی نداشت این کار را انجام دهد. من هربار که او پول می‌خواست به حسابش واریز می‌کردم. دیگر از پنهان کاری‌های او خسته شده‌ام و به او اعتماد ندارم. سر همین مساله کوتاه نیامدم و جنجال بزرگی راه افتاد. به طوری که تصمیم گرفتم برای همیشه

از این زن جدا شوم. من نمی‌توانم در کنار او آینده خوبی داشته باشم. فقط دو سال است که با هم ازدواج کرده‌ایم ولی در این مدت بارها من او را گرفته و فهمیدم که پنهانی از من کارهایی را انجام داده است. در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی من هم دیگر نمی‌خواهم در کنار این مرد زندگی کنم. من اگر این پول را خرج کردم به خاطر خساست شوهرم است. هربار که از او پول می‌خواهم جنجال راه می‌اندازد. کلی سوال و جواب می‌کند و در نهایت کاری می‌کند که پشیمان شوم. دیگر دلم نمی‌خواهد به او بگویم به من پول بده. برای همین وقتی قبض برق را به حسابم واریز کرد آن را برای مساله مهمی خرج کردم. با خودم گفتم به زودی پولش را پرداخت می‌کنم. فکر نمی‌کردم که برق خانه مان به خاطر بدهی قطع شود. آن هم به این زودی ولی اگر پنهان کاری کرده‌ام به خاطر رفتار خشن حمید است. راستش من هم دیگر نمی‌خواهم در کنار این مرد زندگی کنم. می‌دانم با او آینده خوبی نخواهم داشت. او وقتی پولی به من می‌دهد انتظار دارد مثل مامور خرید به او فاکتور بدهم. شاید من دوست دارم با پول برای خودش کادو بخرم. با این رفتارش باعث شده در این دو سال هزار تومان پس انداز هم نداشته باشم. چندیار خواستم بروم سر کار تا مستقل شوم اما با کار کردن من هم مخالف است. من ازدواج کرده‌ام تا در کنار این مرد خوشبخت شوم نه این که اسیر خودخواهی او شوم. در پایان قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند و از آنها خواست مشکل شان را با یک مشاوره خانواده مطرح کنند تا شاید بتوانند از جدایی منصرف شوند. این زوج نیز پیشنهاد قاضی را پذیرفتند.

حریم خصوصی را با پنهان کاری اشتباه نگیرید

سارا شقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید: مخفی کاری و پنهان کاری چه از سوی مرد و چه از سوی زن باعث آسیب جدی به زندگی مشترک می‌شود. این رفتار بنیان اساسی ارتباط، یعنی اعتماد بین زن و شوهر را از بین برده و در نتیجه تمام ابعاد رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هیچ مرد یا زنی دوست ندارد همسرش مساله‌ای را مخفی کند. پنهان کاری به هر دلیلی که انجام شود، در نهایت باعث از بین رفتن صمیمیت میان زن و شوهر می‌شود. این کار بی‌اعتمادی را در پی دارد. نداشتن اعتماد در زندگی مشترک نیز ضربه بزرگی به روابط زوج‌ها می‌زند؛ بنابراین زن و شوهر اگر متوجه مخفی کاری همسر خود شدند، بهتر است ابتدا به علت آن پی برده و با دریافت مشاوره و راهکارهای ارائه شده رابطه شان را بازسازی کنند؛ چرا که این بی‌اعتمادی و پنهان کاری اگر ادامه پیدا کند، ریشه روابط زوج‌ها را از بین برده و زندگی مشترک را به نابودی می‌کشاند. از طرف دیگر اشتباه بسیاری از زنان و مردان این است که داشتن حریم خصوصی برای خود را با پنهان کاری اشتباه می‌گیرند. حریم خصوصی برای زوج‌ها به این معنی نیست که موضوعاتی که مستقیماً به رابطه و طرف مقابل وابسته است را از هم پنهان کنند؛ بنابراین برای داشتن یک رابطه سالم و پایدار پس از ازدواج باید تفاوت پنهان کاری و داشتن حریم خصوصی برای هر دو طرف درک شود. نداشتن مخفی کاری و پنهان کاری نشان‌دهنده صداقت فرد در زندگی است و صداقت نیز مهم‌ترین عامل تداوم یک رابطه است.



پنهان کاری به هر

دلیلی که انجام شود،

در نهایت باعث از بین

رفتن صمیمیت میان

زن و شوهر می‌شود.

این کار بی‌اعتمادی را

در پی دارد. نداشتن

اعتماد در زندگی

مشترک نیز ضربه بزرگی

برای به روابط زوج‌ها

می‌زند



فوق العاده

در این ستون، حوادث گذشته را دوباره بازخوانی می‌کنیم. حادثی بسیار قدیمی که فقط برخی افراد سن و سال دار آن را به یاد دارند و بازخوانی آن با همان ادبیات و نثر و نگارش قدیمی، برای ما و نسل قدیم بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در این شماره ماجرای تصادف مرگبار اتوبوس با عابران در تهران در بهمن ۱۳۴۶ از روزنامه اطلاعات را مرور کردیم.

اتوبوس دو طبقه وارد صف مسافران شد و ۷ نفر را کشت و بیش از ۲۴ نفر را زخمی کرد

جسد که دو نفر از آنها دختر دانش آموز، یک پیرمرد، یک زن و یک مرد نسبتاً جوان بیرون آورده شد.

انتقال مجروحین

در این موقع، آمبولانس‌های ژاندارمری مرکز نیز از پادگان مولوی به محل حادثه رسیدند و مجروحین را به بیمارستان‌های حوادث منتقل کردند و هم‌اکنون ۲۴ نفر از آنها بستری هستند. عده‌ای نیز که جراحت مختصری داشتند، پانسمان شدند و بعضی هانیز از رفتن به بیمارستان خودداری کردند. در بیمارستان‌ها ۲۵ نفر بستری شدند ولی یکی از مجروحین ساعت ۱۰ صبح در بیمارستان سینا درگذشت. اظهار نظر درباره درجه جراحت آنان فعلاً مقدور نیست. گفته می‌شود کارشناس تصادفات، علت تصادف را در مهارت نداشتن راننده در راندن اتوبوس تشخیص داد و به دستور، فرمانده ژاندارمری مرکز که به محل حادثه آمده بود، سرکار ستوان کاشانی و عده‌ای ژاندارم مأمور دستگیری امیر شدند.

تاسف راننده

محمد راننده اتوبوس که پس از وقوع حادثه خود را به پاسگاه ژاندارمری کوی نیروی هوایی معرفی کرد، از وقوع این حادثه اظهار تاسف کرد.

رسیدگی

رسیدگی به این حادثه هم‌اکنون در ژاندارمری کوی نیروی هوایی زیر نظر بازپرس دادسرا ادامه دارد. روزنامه اطلاعات - ۱۷ بهمن ۱۳۴۶

حادثه چگونه روی داد

ایستگاه آخر خط جهت پیاده شدن در ضلع شرقی خیابان قرار دارد و اتوبوس برای سوار کردن مسافران خود ناچار است فلکه دوم خیابان پنجم نیروی هوای را دور بزند و در ضلع غرب خیابان درست روبه‌روی ایستگاه پیاده کردن توقف کند. پارکابی اتوبوس برای این‌که کار سوار کردن مسافران صورت گیرد، به طرف مقابل رفت و در صف ایستاد و منتظر دور زدن اتوبوس شد. امیر، مسؤول کنترل خط که متوجه تاخیر دور زدن اتوبوس شد به ضلع شرق خیابان رفت ولی وقتی راننده را پشت فرمان ندید، خودش وارد کابین اتوبوس شد و اتوبوس را راه انداخت. فلکه را دور زد اما هنگامی که به صف مسافران نزدیک شد، به جای این‌که از مقابل مسافران عبور کند، وارد صف شد و پس از برخورد با عده‌ای در حدود ۳۰ نفر به داخل جوی آب افتاد و در اینجا نیز چند قدمی به جلو رفت و با باجه بلیت‌فروشی تصادف کرد و به حالت نیمه واژگون متوقف شد. امیر پس از متوقف شدن اتوبوس از آن پیاده شد و در میان اراضی و خرابه‌های آن حدود، پا به فرار گذاشت.

کمک به مجروحین

از این لحظه نجات مجروحین آغاز شد. چون عده‌ای در زیر اتوبوس مانده بودند از نیروی هوایی استمداد شد. اندکی بعد، جرثقیل نیروی هوایی و چند آمبولانس و عده‌ای سرباز وارد محل حادثه شدند. جرثقیل نیروی هوایی، اتوبوس را از جوی آب خارج کرد و از زیر تنه آن ۶

بامداد امروز سه‌شنبه ۱۷ بهمن سال ۱۳۴۶، یک اتوبوس دو طبقه شرکت واحد اتوبوسرانی در انتهای خط ۱۳۱ (فلکه دوم، خیابان پنجم، کوی نیروی هوایی) وارد صف طولانی مسافران شد. هفت نفر را کشت و عده‌ای را مجروح کرد که ۲۴ نفر آنها در بیمارستان تحت معالجه قرار گرفتند.



پایان اولین دور

گزارش خبرنگار ما حاکی است اتوبوس دو طبقه شماره ۳۳۱۳ شرکت واحد اتوبوسرانی خط ۳۱ به رانندگی محمد ۲۹ ساله، ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه بامداد امروز، اولین دور کار خود را میان کوی نیروی هوایی و اکباتان به پایان رسانید. هنگامی که اتوبوس در ایستگاه آخر خط متوقف شده بود، مسافران پیاده شدند و محمد، راننده اتوبوس با استفاده از فرصت کوتاهی که به دست آورده بود، به منظور قضای حاجت وارد خرابه‌ای در آن نزدیکی شد.